

تحلیل شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری در پرتو ماهیت ویژه این اموال

فاطمه‌السادات ایروانی مهاجری

دانشجوی دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

مرتضی نصیری*

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

محمود صادقی

دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۴/۳۱)

چکیده

شناسایی و اجرای آرای خارجی حقوق مالکیت فکری به‌عنوان نتیجه سایر مباحث اساسی تعارض قوانین (دادگاه صلاحیت‌دار و قانون حاکم) در این دعاوی به شمار می‌رود. با توجه به افزایش روزافزون مرادفات تجاری بین‌المللی به‌خصوص با موضوع حقوق مالکیت فکری تعداد این دعاوی نیز افزایش یافته است و ضرورت شناسایی و اجرای بین‌المللی آرای صادره در این حوزه به جهات مختلف احساس می‌شود. با توجه به پیشینه موضوع در اسناد بین‌المللی، این مسئله قدمت چندانی ندارد و تنها به‌تازگی اصول حقوقی غیرالزام‌آوری توسط برخی مؤسسات حقوقی خارجی در خصوص این موضوع به تصویب رسیده است. حقوق ایران در این خصوص ساکت است و تنها مقررات عام قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی می‌تواند مورد استناد واقع شود. مسئله اصلی این مقاله بررسی تحلیلی این موضوع است که با توجه به ماهیت ویژه حقوق مالکیت فکری، آیا نظام سنتی موجود برای شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری کفایت می‌کند یا نیازمند تدوین قواعد خاص در این زمینه هستیم؟

واژگان کلیدی

آرای خارجی، تعارض قوانین، حقوق مالکیت فکری، شناسایی و اجرا، نفع عمومی.

۱. مقدمه

شناسایی و اجرای آرای خارجی از مسائل اساسی تعارض قوانین در حقوق مالکیت فکری و ثمره سایر مباحث اساسی آن (از جمله قانون حاکم و دادگاه صالح) است. دعاوی بین‌المللی مالکیت فکری به وفور وجود دارد و دادگاه‌ها نیز روش‌های خاصی برای حل و فصل این دعاوی دارند، اما این روش‌ها، خشک و انعطاف‌ناپذیرند^۱، چراکه دادگاه‌ها به اعمال حقوق مالکیت فکری خارجی تمایل چندانی ندارند و به این حقوق به‌عنوان تابوی حقوق عمومی^۲ می‌نگرند و به همین سبب دادگاه‌ها رغبتی به توجه به منافع رقابتی کشورهای مختلف ندارند^۳، زیرا محدود ساختن تأثیر آرای دادگاه‌ها به قلمرو سرزمین کشور محل دادگاه از عناصر حاکمیت ملی دولت‌هاست. در دعاوی بین‌المللی با موضوع جبران خسارت مالی، از سؤالات اساسی و عملی که بر کل مسیر دعوا تأثیرگذار است، این است که اموال خواننده در کجا واقع شده است (WILLIAM D. PARK & STEPHEN JH. CROMIE, 1990: 459). اگر پاسخ این باشد که خواهان فاقد هر گونه اموال است، ورود به این جریان پرهزینه و زمان‌بر بدون امکان اجرای عملی حکم علیه خواننده دعوا، کاری عبث و بیهوده است. شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری باید با مراقبت و دقت فراوان صورت پذیرد، چراکه هر گونه تصمیم در خصوص مقررات بین‌المللی شناسایی و اجرای آرای خارجی به دلیل ترس از ریسک‌ها و خطرهای و همچنین برخی اطمینان‌ها، قابلیت بسیار بالایی برای دل‌سرد کردن نسبت به برخی فعالیت‌ها و ترغیب نسبت به سایر فعالیت‌ها دارد (Franklin & Morris, 2002: 1213). در این مقاله با رویکردی تحلیلی و با تکیه بر ماهیت ویژه حقوق مالکیت فکری و بیان تفاوت این اموال با اموال فیزیکی، به بررسی امکان اعمال قواعد موجود پرداخته‌ایم و نیاز به ایجاد قواعد خاص را در این خصوص بررسی کرده‌ایم.

۲. ضرورت طرح بحث

در خصوص اهمیت بحث شناسایی و اجرای آرا، یک نویسنده خارجی بیان می‌کند که موضوع شناسایی آرای خارجی اگر نگوییم مهم‌ترین قسمت حقوق بین‌الملل خصوصی، باید بگوییم عمل‌گراترین قسمت از حقوق بین‌الملل خصوصی را تشکیل می‌دهد، زیرا شامل نتایج و به‌کارگیری عملی اصولی است که حقوق آن را تشریح کرده است (PIGGOTT, 1884:6). در خصوص ضرورت شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. Vanity Fair Mills v.T.Eaton & Co, 234F,2d 633(2d Cir 1956)
 2. Public Law Tabo
 3. Vanity Fair,234 F.2d at 633

۲.۱ اجرای خارجی یک رأی می‌تواند تأثیر بسزایی در عملی کردن دستور موقت‌های صادره در این خصوص داشته باشد (دستور موقت مبنی بر منع نقض حقوق مالکیت فکری در قلمرو چند کشور)، زیرا قرارهای دستور موقت نوعاً در قلمرو کشورهای حمایت‌کننده از حقوق مالکیت فکری لازم‌الاجرا هستند.

۲.۲ آرای محکومیت‌های مالی علیه خواندگانی که فاقد اموال و دارایی در کشور محل دادگاه صادرکننده رأی هستند، نیاز به شناسایی و اجرای آرای خارجی را افزایش می‌دهد، زیرا در غیر این صورت خواهان ناچار به اقامه دعوا در کشورهایی است که خواننده دارای اموال است.

۲.۳ شناسایی آرای خارجی نیاز به طرح دعوای مجدد در سایر کشورها را از میان می‌برد و از اقامه دعوا در مراجع قضایی متعدد جلوگیری می‌کند. این نکته در خصوص ماهیت ویژه دعوای مالکیت فکری به سبب فقدان پایگاه مادی آنها و امکان نقض این حقوق در اقصا نقاط جهان به‌طور همزمان (نقض فراگیر) بسیار بااهمیت است.

۲.۴ شناسایی آرای خارجی حمایت از حقوق مکتسبه را در زمینه اموال فکری که قابلیت نقل و انتقال بسیار سریع و راحت‌تری دارند (فقدان پایگاه فیزیکی)، در یک سیستم حقوقی بیگانه، در دوره‌ای که جهانی شدن روند فزاینده دارد، تقویت می‌کند.

۳. تفکیک دو مفهوم شناسایی و اجرا

شناسایی به این معناست که دادگاهی تصمیم قضایی دادگاه دیگر را الزام‌آور بداند (Cromie, 1990: 460) و اجرا به معنای روندی است که دادگاه از قدرت اجبارکننده‌اش برای الزام خواننده به انجام رأی صادره در کشور خارجی به‌کار گیرد. (Born & Westin, 1992: chap5) درحالی‌که بدون شناسایی اجرا امکان نخواهد داشت (Clarkson & Hill, 1997: 143) اما شناسایی بدون اجرا امکان‌پذیر است. برای مثال در مواردی که حکم خارجی مربوط به طلاق است یا ابطال معامله یا حکمی که به نفع خواننده است (Clarkson & Hill, 1997: 143) یا حکمی که به نفع خواهان دعواست، اما نسبت به آن حکم تمکین کرده باشد.

۴. تمایز شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری با سایر اموال

۴.۱. استتار نفع عمومی در فلسفه وجودی حقوق مالکیت فکری

دو مکتب اصلی در توجیه حقوق مالکیت فکری وجود دارد: ۱. مکتب اصالت فرد و ۲. مکتب اصالت جمع. در مکتب اصالت فرد حقوق مالکیت فکری حقوقی طبیعی شناخته می‌شود که مستخرج از اراده فرد است، بدون دخالت عامل خارجی. در واقع، در نتیجه تلاش فردی و

حاصل آفرینش و نبوغ او را می‌توان مشابه تلاش فردی دانست که برای به‌دست آوردن عنوان مالکیت اقدام به حیازت می‌کند (جعفری تبار، ۱۳۸۹). در واقع طبق نظر طرفداران این مکتب حقوق مالکیت فکری امضایی است و نه تأسیسی، چراکه قانونگذار آن را اعتبار نکرده، بلکه از قبل به‌وجود آمده و قانونگذار آن را امضا کرده است. اما در مقابل و با توجه به کاستی‌های حقوق خصوصی در خصوص رشد اقتصاد دانش‌محور، رویکرد جدیدی شکل گرفت که حمایت از نفع عمومی و اصل نفع‌گرایی در اعطای حقوق به مالکان فکری اهمیت یافت. در واقع مفهوم نفع عمومی در حوزه حقوق مالکیت فکری را می‌توان این‌گونه بیان کرد که نفع عمومی، منفعت هر شخص یا اشخاص (گروه) به‌غیر از شخص پدیدآورنده است (حبیب و شاکری، ۱۳۹۴: ۳۲). نهاد مجوزهای اجباری طبق رویکرد نفع‌گرایی، نمود بارز کنترل و دخالت دولت برای تأمین نفع عمومی است (کاظمی، ۹۷، ۱۳۹۲). با روی کار آمدن رویکرد نفع‌گرایی نگاه اقتصادی به حقوق مالکیت فکری افزایش یافت. براساس این رویکرد حقوق مالکیت فکری از قالب صرف حقوق خصوصی به قالب ترکیبی حقوق (خصوصی - عمومی) تغییر شکل می‌دهد (احدزاده، ۱۳۸۷: ۲۰). حال در ارتباط خاص با موضوع این مقاله این پرسش به میان می‌آید که حقوق مالکیت فکری به‌طور مشخص در زمره حقوق عمومی است یا حقوق خصوصی؟ یا ناچار به ایجاد گروه سومی هستیم که ترکیبی از حقوق خصوصی و عمومی است؟ تشخیص حقوق مالکیت فکری در هر یک از این گروه‌ها مشخص می‌کند که آیا با توجه به نظام حل تعارض سنتی می‌توان مشکلات تعارض قوانین این حقوق را مرتفع ساخت؟ رسیدگی به دعاوی تعارض قوانین در حقوق بین‌الملل خصوصی احقاق حقوق خصوصی افراد بدون در نظر گرفتن نفع عمومی است، اما ویژگی انفکاک‌ناپذیر ملاحظه نفع عمومی در حقوق مالکیت فکری بی‌شک در دعاوی تعارض قوانین این حقوق نیز نقش دارد. پیچیدگی اصلی، تفاوت شناسایی و عدم شناسایی برخی اموال به‌عنوان مال فکری در کشورهای مختلف است.^۱

۴.۲. ارتباط مستقیم حقوق مالکیت فکری با قدرت حاکمیتی دولت‌ها

مبنای اصلی حقوق مالکیت فکری کنوانسیون‌های بین‌المللی‌اند که امضاکنندگان آنها دولت‌ها هستند و همین دولت‌ها بر مبنای مصالح ملی خود به کنوانسیون می‌پیوندند. در واقع اعطای حقوق مالکیت فکری اعمال قدرت حاکمیتی و سرزمینی دولت است (Austin, 1997: 329). از آنجا که برای اعطای حق مالکیت فکری (مثلاً گواهی ثبت اختراع) به مداخله دولت نیاز است،

۱. برای مثال آیا شناسایی و اجرای رأی مربوط به مدل‌های کاربردی (Utility Models) در ایران (مدل‌های کاربردی در ایران مال فکری به‌شمار نمی‌روند) لزوماً به معنای مخالفت با نظم عمومی است؟ یا می‌توان نظم عمومی را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کرد؟

چنانچه شناسایی این حقوق توسط دادگاه‌های سایر کشورها انجام پذیرد، بدون تخطی نسبت به قدرت حاکمیتی کشور اعطاکننده امکان‌پذیر نیست. اما به نظر می‌رسد این نوع نگاه نگاهی افراطی به جنبه عمومی حق باشد، زیرا شناسایی حقوق مالکیت فکری در خارج از مرزهای کشور اعطاکننده لزوماً به معنای تخطی نسبت به قدرت حاکمیتی کشور اعطاکننده نیست و از طرف دیگر، ممنوعیت صلاحیتی، زمانی موجه است که به قدرت حاکمیتی کشور اعطاکننده حق ضربه بزند. از طرفی اهمیت ویژه منافع عمومی را در فلسفه وجودی حقوق مالکیت فکری و حمایت ویژه آن خصوصاً در حوزه نظم عمومی، نباید نادیده گرفت، برای مثال ممکن است طرفین قراردادی را منعقد کرده و در آن قانون حاکم را انتخاب کنند، اما دادگاه در اعمال آن قانون به دلیل اصطکاک با مقررات حقوق رقابت دچار تردید شود، درحالی‌که در غیر از مورد دعوی مالکیت فکری چنین تردیدی رخ نمی‌داد. بنابراین در این خصوص صرف تکیه بر حقوق خصوصی و قواعد حل تعارض مرتبط با آن راهگشا نخواهد بود.

۴.۳. ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری و صلاحیت انحصاری دادگاه معطی حمایت

ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور حمایت‌کننده از مال فکری منجر می‌شود. در واقع توجیه برای صلاحیت انحصاری دادگاه‌هایی که مال فکری در حوزه آنها واقع شده این است که سایر دادگاه‌ها ارتباط نزدیک کافی با موضوع دعوا ندارند و صالح به رسیدگی نیستند (Szaszy, 1967: 295). در واقع یکی از موضوعاتی که شناسایی آرای مربوط به اموال فکری را از آرای سایر اموال متفاوت می‌کند، صلاحیت انحصاری دادگاه‌هایی است که مال فکری در آن حوزه واقع شده است.

۴.۴. ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری و امکان اعمال فراسرزمینی این حقوق

فعالیت‌های اقتصادی اخیر که به صورت جهانی رواج یافته است، وقتی با ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری ترکیب می‌شود، امکان حمایت از این حقوق را در کشورهای مختلف و متعاقباً ایجاد بستر برای نقض فراگیر را فراهم می‌سازد. اینکه دعوی نقض این حقوق یکسان را در کدام مرجع قضایی مطرح کنیم، تأثیر بسزایی در قابلیت شناسایی و اجرای این رأی در سایر مراجع قضایی دارد (Marketa Trimble, 2015: 206). ماهیت سرزمینی و ملی حقوق مالکیت فکری نیز مشکل‌ساز است، زیرا دادگاه‌های ملی رسیدگی نسبت به مال فکری واقع در حوزه خود و به خصوص اعتبار آن را در صلاحیت انحصاری خود می‌دانند و شناسایی و اجرای رأیی صادره در خارج از قلمرو خود را در حوزه ملی خود نمی‌پذیرند. پرسشی که با توجه به تحولات اخیر (ورود محیط دیجیتال) به میان می‌آید، این است که آیا حقوق مالکیت فکری با

تغییر رژیم از رویکرد سرزمینی به فراسرزمینی روبه‌روست؟ پاسخ به نظر منفی است. اینکه دادگاه کشور الف دستورهای قضایی دادگاه ب (برای مثال منع اقدامات ناقض حق) را که براساس قانون کشور ج صادر شده است، اجرا کند، به معنای تغییر ماهیت سرزمینی حقوق مالکیت فکری نیست، چراکه هنوز تأثیر این رأی تنها محدود به قلمرو سرزمینی است که حمایت نسبت به آن اعطا شده است. در دهه گذشته از قرن بیست و یکم دادگاه‌های هلند به صدور دستور موقت فراسرزمینی نسبت به نقض‌های صورت گرفته نسبت به حق اختراع خارجی در کشورهای خارجی ابراز تمایل کردند^۱ (Wadlow, 1998: 14).

۵. مشکلات خاص شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری

الف) تفاوت در قوانین ملی

برای شناسایی و اجرای رأی از منظر بین‌المللی به بررسی دو مجموعه مرتبط اما بسیار متفاوت نیاز داریم. از یک طرف مسائل فنی و شکلی داریم که باید آنها را رعایت کنیم تا بتوانیم یک رأی را در خارج اجرا کنیم و از طرف دیگر، مشکلاتی وجود دارد که متأثر از تفاوت در قوانین ملی دو دادگاه است. سال‌های متمادی تلاش در جهت ایجاد سازوکار بین‌المللی برای شناسایی و اجرای آرای خارجی صرفاً مبتنی بر جنبه‌های شکلی بوده و نه جنبه‌های ماهوی. تفاوت در قوانین ماهوی ویژگی‌ها و عناصر مختلفی دارد.

ب) تفاوت در حقوق اعطایی

اصولاً کشورهای مختلف انواع حقوق مالکیت فکری یکسانی را می‌شناسند^۲، اما در عین حال برخی حقوق مالکیت فکری نیز وجود دارند که تنها برخی کشورها آنها را به رسمیت می‌شناسند و برخی دیگر خیر. معروف‌ترین مثالی که برای این مسئله می‌توان مطرح کرد شاید حقوق معنوی باشد. حقوق معنوی در ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن ذکر شده که شامل دو عنصر اساسی است: حق ارجاع^۳ و حق یکپارچگی^۴ که جدا از حقوق اقتصادی نویسنده در کار خود است. هر کشوری این حقوق را به رسمیت نمی‌شناسد. برای مثال کشور آمریکا سال‌ها در پذیرش این حقوق مقاومت می‌کرد. بنابر تمام این اختلاف دیدگاه‌ها، موافقت‌نامه تریپس

۱. در واقع طبق یکی از آرای صادره دادگاه‌های هلند رویکرد این دادگاه‌ها این‌گونه شکل گرفت که چنانچه دادگاه‌ها مطابق اسناد بین‌المللی صلاحیت رسیدگی نسبت به خواننده خارجی داشته باشند، متعاقب آن، نسبت به صدور دستورهای قضایی نسبت به حق فکری شناسایی شده و مورد نقض قرار گرفته را خواهند داشت.

2. Article 9, Article 15, Article 27 of the TRIPS Agreement

3. the right of attribution

4. the right of integrity

به‌طور خاص حقوق معنوی را از قلمرو حقوق مشمول حمایت خود خارج کرد.^۱ این مسائل و تفاوت‌ها پذیرش واقعیتی را ایجاب می‌کند که ممکن است پیامدهای جدی در توانایی به رسمیت شناختن و اجرای آرای خارجی داشته باشد. برای مثال، چگونگی وقتی که از یک دادگاه آمریکایی درخواست اجرای حکم دادگاه فرانسه مبنی بر ممنوعیت نقض حقوق معنوی یک شهروند فرانسوی نسبت به یک عکس یا مجسمه می‌شود، آیا می‌توان از دادگاه آمریکا انتظار داشت که حقوقی را به شهروندی خارجی اعطا کند که نظام حقوقی آمریکا چندین دهه به شهروندان خود اجازه چنین حقوقی را نمی‌داد؟ مشکل دیگر اینکه خسارات تعیین شده برای نقض حقوق مالکیت فکری از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است. قراردادهای موقت به دادگاه‌ها اجازه می‌دهند که در شرایط خاصی که ممکن است متغیر نیز باشد، قراری را علیه خواننده صادر کنند تا او را از انجام کاری بازدارند یا به انجام کاری وادار سازند. برای مثال، یک دادگاه می‌تواند خواننده را از استفاده تبلیغاتی از یک علامت تجاری منع کند یا نرم‌افزار خاصی را که به نصب رایگان یک اثر دارای حق مؤلف منجر می‌شود، از وب‌سایت اینترنتی حذف کند. اگر از دادگاه درخواست شناسایی و اجرای قرار موقتی شود که در سیستم حقوقی کشورش چنین چیزی شناخته نشده است، دادگاه چه اقدامی باید انجام دهد؟ همان‌طور که ذکر شد، بسیاری از کشورها حقوق مالکیت فکری مختلفی را طبق استانداردهای حداقلی در اسناد بین‌المللی به رسمیت می‌شناسند، هرچند این حقوق اساسی یک نام مشابه دارد و بر موضوع یکسانی متمرکز است، اما تفاوت‌های فراوانی بین آنها وجود دارد. اما برخی از این کشورها حمایتی مضاعف از حداقل‌های تعیین شده اعطا می‌کنند. همچنین کشورهای مختلف در استانداردهای حداقلی با هم مساویند، اما حمایتی بیشتر از حداقل اعطا می‌کنند بر روند شناسایی و اجرای آرای خارجی می‌تواند تأثیر اساسی داشته باشد.

۶. توجه اسناد بین‌المللی به شناسایی و اجرای آرای مالکیت فکری خارجی

پس از پرداختن به اهمیت و ضرورت شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری باید موضوع را در اسناد بین‌المللی دنبال کنیم. با وجود سازمان‌های بین‌المللی تلاش برای تنظیم سند بین‌المللی که شناسایی و اجرای آرای منتج از اختلافات حقوق مالکیت فکری را پوشش دهد، به دلیل فقدان موافقت‌نامه جهانی با شکست مواجه شده است. به همین سبب بیشتر آرای صادره تابع قواعد حاکم بر اجرای آرای کشور صادرکننده رأی هستند. معاهدات چندجانبه که بستر و چارچوب اساسی حقوق مالکیت فکری بین‌المللی را تشکیل می‌دهند، مانند موافقت‌نامه تریپس یا معاهدات واپو به شناسایی بین‌المللی آرا نپرداخته‌اند. در اروپا مقررات شناسایی و

1. Article 9 of the TRIPS Agreement

اجرای آرا در موضوعات مدنی و تجاری کنوانسیون بروکسل^۱ نسبت به آرای حقوق مالکیت فکری نیز اعمال می‌شود (Fawcett, 2011: 946). اما مشکل اینجاست که مقررات کنوانسیون بروکسل صرفاً نسبت به آرای صادره در یک کشور عضو دیگر قابلیت اعمال دارد. به همین دلیل شناسایی و اجرای آرای خارجی مربوط به حقوق مالکیت فکری در سطح ملی باقی ماندند که رژیم‌های حقوقی ملی نیز در این خصوص از جهات مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند. برای مثال این رژیم‌ها از لحاظ میزان تأثیر رفتار متقابل در شناسایی آرای خارجی با یکدیگر تفاوت دارند (Zhang, 2013: 143). همچنین رژیم‌های حقوقی ملی از لحاظ مبانی عدم شناسایی و عدم اجرای آرای خارجی با یکدیگر متفاوت‌اند. با توجه به اینکه حقوق مالکیت فکری به نسبت سایر حقوق قدمت کمتری دارد، بسیاری از دانشمندان این حوزه بر آن شدند تا مقررات مربوط به این حقوق را در سطح فراملی تعقیب کنند و همین امر به تصویب معاهدات چندجانبه‌ای منتهی شد که مبنای آنچه امروز حقوق بین‌الملل عمومی حقوق مالکیت فکری می‌نامیم، به‌شمار می‌رود (Dinwoodie, 2000: 469). در نگاه اول این مقررات بسیار پراکنده و نامنسجم به‌نظر می‌رسند و به‌نظر می‌رسد که اساساً با در نظر گرفتن هدف خاص یافتن قواعد حل تعارض مالکیت فکری به تصویب نرسیده‌اند (ماده ۵(۱) کنوانسیون برن (اصل رفتار ملی) (Itar, 1998: 82). بنابراین به تعبیر یکی از نویسندگان در مقررات موجود مالکیت فکری، ما هیچ حقوق بین‌الملل خصوصی عمومی نداریم (Burbank, 2001: 203). برخی از این مقررات به‌طور کلی به نظام تعارض قوانین پرداخته‌اند که مالکیت فکری بخش کوچکی از آن را تشکیل می‌دهد. از جمله کنوانسیون لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی که به درخواست آمریکا برای مذاکره در خصوص بحث صلاحیت در امور تجاری و مدنی آغاز شد. اما این کنوانسیون در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ با شکست مواجه شد، چراکه در خصوص موضوع حقوق مالکیت فکری راه‌حل دقیقی ارائه نداد^۲ که همین مسئله به ادامه تلاش‌ها برای تهیه کنوانسیون منجر شد که به شرط انتخاب دادگاه انحصاری اعتبار می‌بخشید.^۳ اما با همه تلاش‌ها به دلیل بی‌پاسخ ماندن بسیاری از چالش‌های مالکیت فکری دانشمندان این حوزه در پی ایجاد مقررات جامع در این خصوص شدند. اولین تلاش‌ها توسط پروفیسور جین گینسبرگ و راشل دریفس^۳ انجام گرفت که دقیقاً مدل پیش‌نویس کنوانسیون لاهه بود که با شکست مواجه شد. اما طرح پیشنهادی این دو دانشمند نیز به دلیل مشکلات اعمال فرامرزی حقوق مالکیت فکری با چالش همراه بود. زمانی که این طرح توجه مؤسسه حقوقی آمریکایی را جلب کرد (ALI)، شکل طرح

1. available at: <http://www.kentlaw.edu/perritt/conflicts/hagueoct.html>, last visited on:5/12/2018

2. available at: <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/full-text/?cid=98>, last visited on:5/12/2018

3. Rochelle Dreyfuss, Jane Ginsburg

پیشنهادی تغییر یافت و این مؤسسه این طرح را به نام خودش تصویب کرد. در واقع به عنوان اصول حقوقی غیرالزام آور در نظر گرفته شدند و علاوه بر موضوع صلاحیت به قانون حاکم و آرای خارجی نیز پرداخته شد. پس از تصویب این اصول، دانشمندان دیگری در جهان به کار مشابهی پرداختند که از جمله در اروپا این مهم توسط مؤسسه مکس پلانک انجام گرفت. اما نتیجه کلی اینکه هر اندازه که دستیابی به حقوق بین الملل خصوصی عمومی محدود است که مصداق آن شکست کنوانسیون لاهه است، اما قواعد حقوق بین الملل خصوصی را در سطح ملی می توان به وفور یافت که از اصل سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری تأثیر اساسی گرفته است. طرح های آسیایی نیز با همین موضوع به تصویب رسیدند.^۱

۷. مبانی عملی و نظری شناسایی و اجرای آرای خارجی حقوق مالکیت فکری

سؤال دیگری که ممکن است به ذهن متبادر شود این است که مبانی علمی و عملی شناسایی و اجرای آرای خارجی چیست؟ به نظر می رسد پاسخ این پرسش پیچیده و مشکل باشد. مبانی عملی و علمی برای تشریح روند عملی شناسایی نقش بسیار کمی در فهم واقعی عناصر درگیر در موضوع و کنترل آنها دارند (Mehren & Trautman, 1968: 1601). یکی از نویسندگان مسئله را این گونه توجیه کرده است: هر کشوری بنا بر منافع و دلایل تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خودش روش ها و رویکردهای متفاوتی در خصوص انتخاب دادگاه و قانون حاکم و این قبیل مسائل دارد و در واقع این امکان وجود ندارد که همیشه بتوان همه افراد را راضی نگاه داشت (MEHREN & TRAUTMAN, 1968: 834).

۷.۱. مبانی عملی شناسایی و اجرای آرای خارجی حقوق مالکیت فکری

۷.۱.۱. زمان و هزینه بالا

در دنیای مدرن جریان دادرسی جریان بسیار زمان بر و پرهزینه ای است و طرفین دعوا هزینه های زیادی را طی این جریان مانند هزینه گرفتن وکیل، شهود، هزینه های دادرسی اجباری و سفر متحمل می شوند. علاوه بر این عنصر زمان نیز در این فرایند بسیار مهم است و این امر به خصوص در زمینه اموال فکری که اموالی اند که حمایت قوی و ویژه از آنها در محدودی اعطا می شود (حمایت ویژه حقوق مالکیت فکری یا حقوق انحصاری)، بسیار حائز اهمیت است. بنابراین عدم شناسایی و اجرای رأی خواهان دعوی اصلی ناعادلانه به نظر

1. Transparency of Japanes Law Project, Transparency Proposal on Jurisdiction , Choice of Law, Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Intellectual Property (Transparency Proposal), 2009
Principles of Private International Law on Intellectual Property Rights, Joint Proposal Drafted by Members of Private Law Association of Korean and Japan (Joint University Global COE Project (The Joint Koren and Japanese Proposal) 2010

می‌رسد، زیرا ممکن است او دیگر تمایلی به تکرار این پروسه زمان‌بر و پرهزینه برای از سر گرفتن دعوا در مرجع جدید نداشته باشد، زیرا ممکن است سپری کردن این زمان مصادف با پایان یافتن دوره حمایتی حقوق وی باشد، بنابراین هیچ منطقی برای از سر گرفتن اقدامات حقوقی وجود نخواهد داشت. این توجیه اقتصادی اغلب در دادگاه‌های آمریکا کاربرد دارد.

۷.۱.۲. قطعیت قضایی یا جلوگیری از سوءاستفاده خواهان برای طرح دعوی مجدد

پول و زمان تنها دلایل شناسایی و اجرا به‌شمار نمی‌روند. یکی دیگر از دلایل و مبنای شناسایی و اجرای آرای خارجی سیاستی است که در مقابل الزام خواهان به اقامه دعوی خود بر مبنای شانس اجرایی شدن رأی حاصله به‌کار می‌رود. در واقع هدف از این رویکرد این است که خواهان بدون نگرانی و توجه به بحث اجرا بتواند در هر مرجعی که می‌خواهد و امکان‌پذیر است، اقامه دعوا کند. همچنین از منظر دیگر هدف، جلوگیری از فراهم شدن امکان تعیین مرجع دیگر برای اقامه دعوی مجدد توسط خواهان در فرض ناکامی در نتیجه دعوی مطروحه ابتدایی است (MEHREN & TRAUTMAN, 1968: 835). به‌عبارت بهتر هدف اصلی شناسایی و اجرای آرای خارجی اجتناب از طرح دعوی مجدد در خصوص مسائل ماهیتی است که قبلاً در خارج به‌طور منصفانه رسیدگی شده است (Born & Westin, 1992: 754).

۷.۱.۳. افزایش ثبات و یکپارچگی در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل

مبنای نظری دیگر، افزایش ثبات، وحدت، یکپارچگی و قابلیت پیش‌بینی در بازار جهانی در دنیای مدرن است که سبب شده دنیای انسان‌ها دیگر محدود به مرزهای شناخته‌شده و نامگذاری‌شده توسط آنها نباشد. همان‌طور که یکی از دادگاه‌ها در بیان تصمیم خود این‌گونه اظهار داشت: دلیل اصلی اینکه احکام خارجی الزام‌آور دانسته می‌شود این است که با شناسایی آنها همکاری‌های بین‌المللی و رفتار متقابل تقویت می‌شود و در نتیجه قابلیت پیش‌بینی و ثبات در مسائل حقوقی که دو عنصر اساسی برای شرکت‌های تجاری بین‌المللی موفق‌اند، تقویت می‌شود.^۱

۷.۱.۴. جلوگیری از فرار از اجرا توسط بازنده دعوا

1. General Elec. Co. v. Deutz Ag., 270 F.3d 144, 160 (3rd Cir. 2001)

مبنای چهارم نیز حمایت از طرف پیروز دعوا (خواهان یا خوانده) در مقابل تعرضات احتمالی طرف بازنده دعوی با استفاده از فنون فرار از اجراست (VON MEHREN & TRAUTMAN, 1968: 833).

۷.۱.۵. ترغیب به اقامه دعوا در مرجع صالح بدون داشتن دغدغه اجرا

مبنای پنجم که بسیار مهم است، رویکردی است که اقامه دعوا را در دادگاهی که مناسب‌ترین مرجع برای اقامه دعواست، ترغیب می‌کند. ارزش و اعتباری که به هر یک از این دیدگاه‌ها یا مبانی در نظام‌های حقوقی مختلف داده می‌شود ممکن است متفاوت باشد. اما آنچه با روند رو به رشد پدیده جهانی شدن استنباط می‌شود این است که دیگر مرزهای تعیین‌شده مفهومی ندارند، به عبارت دیگر همه کشورها در دهکده جهانی فارغ از مرزهای ملی با یکدیگر در ارتباط‌اند و محدودیت‌های افراطی در عمل قابلیت اجرا نخواهند داشت.

۷.۲. مبانی نظری حقوقی شناسایی و اجرای آرای خارجی حقوق مالکیت فکری

از آنجا که هر گونه اظهارنظر و تصمیم دادگاه باید مبنای حقوقی داشته باشد، دادگاه‌ها برای اینکه بتوانند در خصوص اجرای رأی خارجی دستور بدهند، نیازمند تمسک به مقرره قانونی یا اصول حقوقی بودند، در همین خصوص دو اصل اساسی قدیمی برای پاسخ به این پرسش راهگشا بود: **دکترین همکاری کشورها و دکترین تعهد**

۷.۲.۱. دکترین همکاری کشورها (The Comity of Nation Doctrin)

با اینکه شرایط شناسایی و اجرای آرای خارجی در کشورهای مختلف براساس حقوق ملی آنها متفاوت است، اما دکترین همکاری کشورها در حقوق کامن‌لا نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. قاعده کلی این است که قوانین فراتر از مرزهای سیاسی حاکمیتی که آنها را اجازه داده است، تأثیری ندارند. مطابق دکترین اتحاد ملل این یک اصل پذیرفته‌شده در قانون کشورهاست که یک کشور موظف به اجرای رأی صادره توسط کشور خارجی درون مرزهای خودش باشد (PIGGOTT, 1884: 5). این دکترین که ریشه بریتانیایی دارد، در آمریکا پذیرفته شده است و هنوز هم رایج است و منبع عمل بسیاری از دادگاه‌هاست. اتحاد به مفهوم حقوقی نه به طور کامل یک تعهد و نه از طرف دیگر حسن نیت و احترام است، بلکه عملی است که یک کشور اجازه می‌دهد که در قلمرو آن اقدامات قضایی، اجرایی و قانونگذاری کشور دیگر با رضایت کامل هر دو طرف و حفظ حقوق شهروندانش (Hilton v. Guyot, 1895: 163) صورت بگیرد. این مفهوم بیشتر در هلند رواج داشت و توسط هابر در اواخر قرن هفدهم در تلاش برای

ایجاد تعادل بین ملزومات تجارت جهانی و حاکمیت ملی توسعه یافت (McGarrigle, 1998: 107).

۷.۲.۲. دکترین تعهد حقوقی (The Doctrine of Obligation)

دکترین تعهد تئوری‌ای است که دلیل مبنایی برای شناسایی و اجرای آرای خارجی را بیان می‌کند و معتقد است که رأی خارجی تعهد حقوقی را ایجاد می‌کند که مستحق اجرا در هر مکانی است که خواننده یا اموای وی یافت شوند (Born & Westin, 1992: 745). مطابق دکترین تعهد حقوقی چنانچه یک رأی خارجی صادر شود، یک تعهد حقوقی ایجاد می‌شود که باید در همه‌جا لازم‌الاجرا شناخته شود. این دکترین اولین بار در پرونده میان راسل و اسمیت^۱ مطرح شد و دادگاه بیان داشت هر زمان که دادگاه رقیب حکم به پرداخت مبلغی معین کند، نسبت به پرداخت آن مبلغ تعهد حقوقی به وجود می‌آید، بر همین مبناست که آرای خارجی حمایت و اجرا می‌شوند. این دو دکترین تفاوت اساسی با یکدیگر دارند. طبق دکترین همکاری کشورها، ما آرای خارجی را اجرا می‌کنیم، زیرا در جهان متمدن ما ناچار به پذیرش قواعد حقوق بین‌الملل عمومی هستیم که احترام به تعهدات ایجادشده توسط کشورها از ملزومات پذیرش این قواعد است. از طرف دیگر، چنانچه ما تابع دکترین تعهد باشیم، تنها به این دلیل که این رأی یک تعهد خصوصی بر ذمه محکوم‌علیه در مقابل دادگاه ایجاد می‌کند و این تعهد باید مورد احترام قرار بگیرد، رأی را اجرا می‌کنیم. ثمره این تقسیم‌بندی این است که هر چیزی را که وجود تعهد را نفی کند، می‌توان به‌عنوان دفاع در مقابل اجرا پذیرفت (PIGGOTT, 1884: 5). تفاوت دیگر اینکه دکترین اتحاد ملل در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی است، درحالی‌که دکترین تعهد در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی قرار دارد.

۸. اصول مرجع بر شناسایی و اجرا

حتی اگر رویکرد یک کشور نسبت به اجرای آرای صادره خارجی مثبت باشد، لزوماً به اجرای رأی منتهی نمی‌شود، بلکه باید از برخی فیلترها گذر کند که در زیر به آنها می‌پردازیم.

۸.۱. نظم عمومی

این دیدگاه به‌طور گسترده پذیرفته شده است که اگر رأی صادره توسط دادگاه خارجی با نظم عمومی کشور اجراکننده در تعارض باشد، این رأی قابلیت اجرا ندارد. اما قلمرو نظم عمومی ثابت نیست و با توجه به معیارهایی از جمله زمان و مکان متغیر است، بنابراین به‌دلیل اینکه ممکن است چیزی در آینده در حوزه نظم عمومی قرار بگیرد یا در موقعیت مکانی خاص

1. Russell v. Smyth, 9 M. & W. 810.

درحالی که در زمان و مکان دیگر خارج از این قلمرو باشد، بنابراین تحدید قلمرو نظم عمومی امکان پذیر نیست (الماسی، ۱۳۸۲: ۱۸۷). استثنای نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی دو ویژگی بارز دارد: ضرورت وجودی و ابهام در قلمرو آن، از یک طرف هیچ کس نمی داند که چه مواردی دقیقاً شامل نظم عمومی می شود و از طرف دیگر هر کسی می خواهد در دعوا به آن استناد کند (Trimble, 2009: 644). نظم عمومی یک استثناست و نباید آن را به تمام موارد تعمیم داد. در برخی موارد مربوط به حقوق مالکیت صنعتی، رأی خارجی صادره با موضوع قابلیت ثبت مال فکری ممکن است به دلیل تناقض با ارزش های اساسی کشوری که اجرا از آن درخواست شده است، رد شود (Pedro A.de Miguel, Asensio, 2010: 252). در مواردی که حقوق مالکیت فکری موضوع دعوا باشند، بسیاری از کشورها در این خصوص اصرار بر دیدگاه مورد پذیرش خودشان در زمینه قلمرو عمومی دارند.^۱ بنابراین به نظر می رسد که قلمرو نظم عمومی در حقوق مالکیت فکری پیچیده تر از آن است که بتوان آن را به طور دقیق شرح داد (الماسی و احدزاده، ۱۳۹۵: ۳۷۳-۳۷۰). اما سؤال مهمی که به ذهن متبادر می شود این است که چه چیزی دقیقاً نظم عمومی را در حوزه حقوق مالکیت فکری تشکیل می دهد؟ آنچه واضح است حوزه حقوق مالکیت فکری حوزه منحصر به فردی است با مجموعه ای از حداقل استانداردها که اعضا باید قوانینشان را با آن مطابقت دهند. اگر عضوی در خصوص این استانداردها تخلف کند، نسبت به سایر کشورهای عضو نه تنها در قلمرو بین الملل خصوصی، بلکه در عرصه بین الملل عمومی نیز مسئول شناخته می شود. مادامی که استانداردهای تریپس رعایت می شود، نیاز بالقوه به امتناع از شناسایی و اجرای آرای خارجی کاهش می یابد. اینکه دادگاه صادرکننده رأی نیز قلمرو حمایتی وسیع تری را نسبت به دادگاه اجراکننده داشته باشد، نتیجه را تغییر نمی دهد، چراکه موافقت نامه تریپس صرفاً حداقلها را معین می کند و نه حداکثرها و کشورها با امضای تریپس این ریسک را پذیرفتند که ممکن است سایر کشورهای عضو حمایتی قوی تر یا ضعیف تر از حمایت آنها داشته باشند که ممکن است با نظم عمومی آنها تناسبی نداشته باشد.

۸.۲. رفتار متقابل

این تئوری به منزله رفتار تلافی گرایانه است، در مواردی که آرای صادره توسط دادگاهی که اکنون به عنوان دادگاه اجراکننده شناخته می شود، در دادگاه کشور صادرکننده شناسایی و اجرا

۱. برای مثال موافقت نامه تریپس در ماده ۳۱ مفهوم مجوز اجباری را در در موارد فوریت های ملی یا سایر موقعیت هایی که برای یک کشور فوریت دارند، به رسمیت شناخته است. همچنین ماده ۲۷ تریپس به کشورها اجازه می دهد که برخی اختراعات را از قلمرو اختراعات قابل ثبت مستثنا کنند. در شرایطی که حمایت از نظم عمومی یا اخلاقیات ایجاب می کند، مانند حمایت از حقوق بشر، حقوق حیوانات یا گیاهان یا موارد مربوط به سلامت جامعه.

نشود. این رویکرد و تئوری در دادگاه تجدیدنظر در سال ۱۹۸۵ مورد انتقاد قرار گرفت و بیشتر دادگاه‌های آمریکایی از آن تبعیت نکردند (Born & Westin, 1992: 763).

۹. دفاعیات خوانده نسبت به شناسایی و اجرای آرای خارجی

۹.۱. تدلیس

احکام خارجی که به واسطه تدلیس به دست آمده باشد، در حقوق کامن‌لا قابل شناسایی و اجرا نیست.

۹.۲. دادرسی عادلانه

از جمله اصول اساسی دادرسی عادلانه این است که به خواننده دعوا فرصت دفاع در روند رسیدگی خارجی داده شود، در غیر این صورت رأی خارجی قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود. استدلال مخالفان شناسایی و اجرا با مبنای دادرسی عادلانه این است که در بسیاری از کشورها حتی حداقل‌های لازم برای شناسایی و اجرای آرا رعایت نمی‌شود، بنابراین آرای صادره قابل اجرا نیست. چنین توجیهی در خصوص حقوق مالکیت فکری در مقایسه با سایر اموال چندان منطقی نیست، زیرا در موافقت‌نامه تریپس مقررات ویژه‌ای در این خصوص وجود دارد. خود موافقت‌نامه تریپس حاوی برخی مقررات اساسی در مورد دادرسی عادلانه است (بخش سوم موافقت‌نامه) و حتی به اعتقاد بعضی بزرگ‌ترین دستاورد آن به‌شمار می‌رود (GERVAIS, 1998, 197). در نتیجه چنانچه موافقت‌نامه تریپس الزامات دادرسی عادلانه را پوشش دهد (در صورتی که کشورهای موردنظر عضو تریپس باشند و این موافقت‌نامه را مبنا قرار دهیم)، توجیه دادرسی عادلانه به‌عنوان استثنا بر قاعده عمومی اجرا، مصداقی نخواهد داشت، چراکه کشورهای مختلف سابقاً تعهدات مربوط به دادرسی عادلانه را بر عهده گرفته‌اند.

۹.۳. اعتبار امر مختومه

یکی دیگر از الزامات مربوطه این است که برای دادگاه اجراکننده ثابت شود که رأی دارای اثر اعتبار مختومه در کشور صادرکننده است و در حال حاضر قابل اجراست. در خصوص زمان دقیق قطعی شدن رأی اختلاف وجود دارد، اما سیستم حقوقی نوشته رأی را دارای اثر مختومه می‌داند که قابلیت هیچ نوع اعتراضی برای آن وجود نداشته باشد (Nyg & FAUST, 1998: 97). این رویکرد در قالب حقوق مالکیت فکری نیز وجود دارد، مثالی را در نظر بگیرید که شرکتی که دارای برند مشهوری است و محکوم به پرداخت خسارت به خواهان دعوایی در دادگاه آلمان شده است، همین خواهان پیروز دعوا از دادگاه آمریکا الزام به اجرای رأی را نسبت به همین خوانده می‌کند. دادگاه آمریکایی باید درخواست اجرای رأی را تا زمانی که برای رأی

صادرۀ دادگاه آلمان فرصت تجدیدنظرخواهی و اعتراض وجود دارد، مردود اعلام کند. با اعمال این رویکرد، رأی را که در کشور آلمان هنوز به حدی نرسیده که قابلیت اجرا داشته باشد، نمی‌توان در خارج از مرزهای آن کشور اجرا کرد. این تفاوت (تفاوت در اینکه چه رأی را دارای اعتبار امر مختومه بدانیم)، تأثیر چشمگیری بر اصل طرح دعوای یکسان در دو مرجع *Lis pendens* دارد.^۱ اصل اعتبار امر مختومه مقرر می‌دارد زمانی که دعوایی به رأی منتهی می‌شود، تنها نسبت به آن می‌توان تجدیدنظرخواهی کرد و هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند همان دعوا را در دادگاه دیگر مطرح کنند. اصل طرح دعوای یکسان در دو مرجع، از اصل اتحاد بین‌المللی نشأت می‌گیرد و به دادگاه اجازه می‌دهد تا از اعمال صلاحیت خود خودداری کند، در صورتی که در دادگاه‌های دیگر دادرسی موازی در حال رسیدگی باشد. اما اگر طرفین مستندات دعوا و موضوع دعوا متفاوت باشند، این اصل قابلیت اعمال ندارد.^۲ تفاوت بسیار زیادی بین محکومیت‌های شخصی یا دینی و عینی یا مالی در خصوص استفاده از آثار دکترین اعتبار امر مختومه وجود دارد. به‌عنوان یک قاعدۀ کلی، هنگامی که یک حق اختراع اعطا می‌شود و آن حق در حوزه سرزمینی یک کشور به ثبت می‌رسد، این حقوق، حقوق عینی است، اما این حقوق نسبت به تمام جهان قابل استناد و محترم نیست، به‌دلیل همین ماهیت سرزمینی اما نسبت به تمام افراد قلمرو ثبت‌شده قابل استناد خواهد بود. اگر دادرسی شامل پرسش در مورد اعتبار حقوق مالکیت فکری باشد، این رأی تأثیرات گسترده‌ای نسبت به کل جهان (از لحاظ قابلیت استناد) دارد. چنین دیدگاهی ممکن است برای شخصی که مخالف اجرای رأی خارجی است به استناد مخالفت با شناسایی یا عدم شناسایی آن مال به‌عنوان مال فکری که هیچ نقشی نیز در دعوای رسیدگی به این موضوع (اعتبار یا عدم اعتبار مال فکری) نداشته است و بر توانایی وی در اقامۀ چنین دعوایی تأثیر اساسی بگذارد؛ اگرچه رأی که علیه ناقض حق در قلمرو مورد حمایت دارای ویژگی حق دینی یا شخصی است، به این دلیل که هدف رأی ممانعت از نقض یا جبران یک نقض خاص توسط شخصی معین نسبت به یک حق عینی است. نتیجه واضح اینکه از لحاظ نظری اگر تمام دنیا بخواهند دخالتی در حق اختراع دارنده حق داشته باشند، دارنده حق ملزم به اخذ آرای شخصی علیه هر یک از اشخاص نسبت به حق

۱. این اصل یک اصطلاح لاتین است، به این معنی که یک دعوا با همان علتی که دعوای موازی دیگر در دادگاه دیگر مطرح شده، اقامه شده و تصمیم‌گیری نشده باشد. زمانی که دو دادگاه دعوای یکسانی را استماع می‌کنند، می‌توانند تصمیمات متناقض بگیرند.

2. *Lis Alibi Pendens Law and Legal Definition*, available at: <https://definitions.uslegal.com/lis-alibi-pendens/>

عینی‌اش است. از نظر بین‌المللی نیز این کار بسیار پیچیده و مشکلی است که یک شخص بتواند همه این حقوق را حمایت کند.

۹.۴. وضعیت حقوق ایران

همان‌گونه‌که در پیشینه مقاله بیان شد، شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری در سطح بین‌المللی قدمت چندانی ندارد و به‌تازگی دانشمندان این حوزه به آن پرداخته‌اند و اسناد غیرالزام‌آوری در این خصوص تهیه شده است. در حقوق ایران نیز این موضوع مسکوت مانده است و برای اجرای آرای خارجی در این خصوص باید به مقررات عمومی موجود در حقوق خصوصی مراجعه کرد. فصل نهم از قانون اجرای احکام مدنی و مواد ۹۷۲، ۹۷۴ و ۹۷۵ قانون مدنی در این خصوص قابل استناد هستند. مطابق بند ۱ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی شرط اجرا را رفتار متقابل می‌داند. با ملاحظه مقررات جدید (اصول تازه تصویب مانند اصول کلیپ و ای ال آی) به‌نظر می‌رسد این ماده قانون اجرای احکام در خصوص اعمال در دعوی مالکیت فکری مناسب به‌نظر نمی‌رسد (Ubertazzi, 2012: 308)، چراکه رفتار متقابل در اختیار اشخاص حقوق خصوصی نیست، بلکه در اختیار دولت‌هاست، بنابراین برای حفظ حقوق اشخاص حقوق خصوصی و در راستای تأمین اهداف اساسی حقوق مالکیت فکری به‌نظر می‌رسد این شرط به‌مثابه یک مانع شرایط را دشوار می‌سازد و میل به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و مراودات تجاری بین‌المللی را کاهش می‌دهد. به‌نظر می‌رسد حذف این اصل در اصول پیشنهادی مؤسسه حقوق ماکس پلانک در تعارض قوانین و اصول مؤسسه حقوقی آمریکایی ای ال آی با هدف حمایت هرچه بیشتر از حقوق مالکیت فکری اشخاص و تسهیل انتقال اطلاعات و فناوری برای تأمین نفع عمومی است. بنابراین به‌نظر می‌رسد این ماده در زمینه آرای مالکیت فکری نیاز به بازنگری داشته باشد. ماده ۱۷۰ قانون اجرای احکام مدنی دادگاه شهرستان محل اقامت محکوم‌علیه و در صورت معلوم نبودن اقامتگاه دادگاه شهرستان تهران را مرجع تقاضای اجرای حکم می‌داند، بنابراین مطابق این ماده اجرای رأی باید از دادگاه تقاضا شود. مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ شرایط خاص تقاضا را بیان می‌کنند که باید کتبی باشد و پیوست‌هایی نیز داشته باشد. مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ این قانون نیز شناسایی و اجرای رأی را منوط به صدور قرار قبول تقاضا پس از بررسی در جلسه فوق‌العاده دانسته که این تصمیم نیز در دادگاه‌های تجدیدنظر قابل اعتراض است. صدور امر به اجرای رأی (مذکور در ماده ۹۷۲ قانون مدنی) را می‌توانیم معادل قرار قبول تقاضای اجرای رأی در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام بدانیم. مطابق ماده ۹۷۵ قانون مدنی هر گاه اجرای رأی خارجی مالکیت فکری موجبات اخلال به نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور ایران را فراهم آورد، قابل اجرا نخواهد بود. اما نکته‌ای

که در این خصوص و در ارتباط خاص با اموال فکری در حقوق ایران وجود دارد، اینکه ایران به برخی معاهدات بین‌المللی از جمله تریپس و برن نیپوسته است، اما دعوایی را در ارتباط با یک مال فکری برای مثال یک اثر هنری که در خارج برای اولین بار منتشر شده است، مطرح می‌کند، آیا شناسایی این اثر به‌عنوان یک اثر ادبی و هنری بدون توجه به عدم شناسایی آن توسط مقررات ایران مخالف نظم عمومی تلقی می‌شود؟ پاسخ این پرسش به گستردگی یا محدودیت قلمرو نظم عمومی برمی‌گردد، اگر قلمرو نظم عمومی را به‌حدی گسترده در نظر بگیریم که نهادهای حقوقی شناخته‌شده بین‌المللی را که هنوز در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته است نیز شامل شود، پس در این مثال نیز اثر ادبی خارجی در ایران قابل شناسایی نخواهد بود. اما اگر قلمرو نظم عمومی را صرفاً به مواردی که مربوط به منافع عمومی و حاکمیتی می‌شود محدود کنیم، شاید این اثر نیز به‌عنوان یک اثر ادبی قابل شناسایی باشد (الماسی و احدزاده، ۱۳۹۵: ۳۷۰-۳۷۳). این شناسایی می‌تواند در ترویج مراودات تجاری بین‌المللی نیز مؤثر واقع شود. البته نظم عمومی مصادیق متعددی دارد؛ از جمله نظم عمومی اقتصادی، نظم عمومی حاکمیتی، نظم عمومی فرهنگی و ... که می‌توان در مثال مذکور این‌گونه توجیه کرد که مقررات حقوق مالکیت فکری ایران با توجه به شرایط اقتصادی کشور تنظیم شده‌اند و ایران کشور واردکننده در حوزه حقوق مالکیت فکری است تا تولیدکننده، بنابراین شناسایی یک حق مالکیت فکری برخلاف مقررات این حقوق می‌تواند نظم عمومی اقتصادی را مختل سازد، بنابراین محدود انگاشتن قلمرو نظم عمومی چاره کار نیست. همان‌گونه که یکی از نویسندگان حقوق بین‌الملل خصوصی به‌درستی بیان کرده است: «اساساً مفهوم نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی مفهومی ذاتاً متغیر است و به تعبیر معروف کاردوزو، قاضی نامدار دیوان عالی آمریکا، تعریف و تحدید نظم عمومی مخالف نظم عمومی است» (نصیری، ۱۳۹۵: ۳۵۸).

۱۰. نتیجه‌گیری

شناسایی و اجرای آرای خارجی مالکیت فکری در اسناد بین‌المللی قدمت زیادی ندارد و قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی بیشتر در سطح ملی و منطقه‌ای باقی مانده‌اند که قوانین ملی نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. اما با اهمیت روزافزون این موضوع اسناد غیرالزام‌آوری با همکاری دانشمندان مطرح این حوزه به تصویب رسیدند که گامی مؤثر در این حوزه به‌شمار می‌رود. این موضوع مانند سایر مسائل مبانی فلسفی دارد که در این مقاله به دو مبنای عملی و علمی تقسیم کرد. دو دکتترین منافع مشترک و تعهد حقوقی مبانی مورد استناد دادگاه‌ها برای شناسایی و اجرا هستند. اگر دادگاه‌ها نظر مساعد نسبت به شناسایی و اجرا داشته باشند، هنوز مرحله دیگری در پیش است و آن گذر از فیلتر نظم عمومی و رفتار متقابل است. طبق اصل کلی اگر

رأی صادره توسط دادگاه خارجی با نظم عمومی کشور اجراکننده در تعارض باشد، این رأی قابلیت اجرا ندارد. تشخیص مصادیق نظم عمومی در زمینه شناسایی و اجرا امری دشوار است. اما در راستای تأمین هدف حقوق مالکیت فکری که حمایت از ابداعات و ترغیب افراد به آن و در نهایت تأمین نفع عمومی است، باید نظم عمومی را یک استثنا تلقی کرد و نباید آن را به تمام موارد تعمیم داد. بنابراین اصل بر این است که کلیه آرای خارجی قابل اجرا هستند، مگر اینکه با نظم عمومی کشور اجراکننده در تعارض باشد و صرف تفاوت قوانین، دلیل مناسبی برای ترمد از اجرای رأی به حساب نمی‌آید. رفتار متقابل به عنوان رفتاری تلافی و پیش شرط شناسایی و اجرای رأی، منتقدان و مخالفان زیادی دارد که معتقدند حقوق اشخاص حقوق خصوصی نباید قربانی اختلافات دولت‌ها شود. به دلیل ماهیت ویژه حقوق مالکیت فکری از جمله ارتباط مستقیم این حقوق از لحاظ اقتصادی به سیاست و قدرت حاکمیتی کشورها، میزان توسعه‌یافتگی آنها، ماهیت سرزمینی این حقوق با اعمال فراسرزمینی آن و صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها نمی‌توان آن را به طور دقیق در گروه حقوق خصوصی یا حقوق عمومی قرار داد، بنابراین قواعد حل تعارض سنتی برای شناسایی و اجرا قابل اعمال نیست. حقوق ایران در این خصوص ساکت است، بنابراین ناچار به مراجعه به قواعد عمومی شناسایی و اجرا در سایر مقررات هستیم، اما با توجه به ماهیت ویژه این حقوق و بی‌توجهی به اصول حقوقی بین‌المللی مربوطه نظام سنتی به طور کامل پاسخگو نیست، بنابراین نیازمند قواعد خاص برای شناسایی و اجرای این حقوق هستیم.

منابع

الف) فارسی

۱. احدزاده، عباس (۱۳۸۷). *قانون قابل اعمال در رابطه غیر قراردادی حقوق مالکیت فکری*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۲). *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: میزان.
۳. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹). *جزوه درس فلسفه حقوق مالکیت فکری*، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۴. حبیبی، سعید؛ شاکری، زهرا (۱۳۹۴). *منافع عمومی و حقوق مالکیت فکری*، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. کاظمی، امین (۱۳۹۲). *تعامل حقوق مالکیت فکری و نفع عمومی*، تهران: جاودانه.
۶. نصیری، مرتضی (۱۳۹۵). *تعارض قوانین در تجارت بین‌المللی*، تهران: جنگل.

ب) خارجی

7. ALI Principles available at : <http://www.wipo.int/wipolex/en/details.jsp?id=7687>
8. Asensio ,Pedro A.de Miguel,(2010). *Recognition and Enforcement of Judgments in Intellectual Property Litigation* , Tubingen Mohr Siebeck
9. Austin ,GW, (1997) *The Infringment of Foreign Intellectual Property Rights* ,LQ Rev
10. Bradley, Curtis A. (1997). *Territorial Intellectual Property Rights in an Age of Globalism*, 37 V. J. INT'L L.,Heinonline

11. Born & Westin (1992). *International Civil Litigation in United States Courts*, American Bar Association
12. Burbank, Stephen ,B ,(2001). “Jurisdictional Equilibration,the proposed Convention and Progres in National Law”, *The American Journal of Comparative Law*, Vol. 49, Issue 2.
13. Clarkson , CMV & Hill, Jonathan ,(1997). *The Conflict of Laws* ,Oxford,First edition.
14. Dinwoodie, Graeme,B ,(2000). A New Copy right Order : Why National Courts Should Create Global Norms, *University of Pennsylvania Law Review*, Vol. 149, No. 2
15. Fawcett,James , Torremans, Paul, (2011). *Intellectual property and Private International Law*, Oxford,2nd ed.
16. Franklin ,Jonathan A. ,& Morris, Roberta J., (2002). *International Jurisdiction and Enforcement of Judgments in the Era of Global Networks: Irrelevance of, Goals for, and Comments on the Current Proposals*, Heinonline,77 CHI.-KENT L. REV. 1213.
17. McGarrigle, Phillip L , (1998). *The Role of Foreign Judgments in Patent Litigation: A Perspective and Strategic Overview*, Heinonline .
18. PARK, WILLIAM D, &. CROMIE, STEPHEN JH , (1990). *INTERNATIONAL COMMERCIAL LITIGATION* , London u.a. : Butterworth.
19. PIGGOTT, FRANCIS T,(1884), *THE LAW AND PRACTICE OF THE COURTS OF THE UNITED KINGDOM RELATING TO FOREIGN JUDGMENTS AND PARTIES OUT OF THE JURISDICTION*, 2nd ed., London.
20. Principles of Private International Law on Intellectual Property Rights,Joint Proposal Drafted by Members of Private Law Association of Korean and Japan (Joint University Global COE Project (The Joint Koren and Japanese Proposal)2010.
21. Principles on Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP), available at: <https://www.ip.mpg.de/en/research/research-news/principles-on-conflict-of-laws-in-intellectual-property-clip.html>
22. Tranparency of Japanes Law Project,Transparency Proposal on Jurisdiction ,Choice of Law, Recognition and Enforcement of Foreign Judjments in Intellectual Property(Transparency Proposal),2009
23. Trimble Landova,Marketa,(2009). *Public Policy Exeption in Recognition of Copyright Judjments in Cases of Copyright Infringment*, William S.Boyd School of Law University of Nevada,Las Vegas.
24. Trimble Landova,Marketa (2015). “Advancing National Intellectual Property Policies In A Transnational Context”, *Maryland Law Review*,Vol. 74.
25. Ubertazzi, Benedetta (2012). “Recognition and Enforcement of Foreign Judjments in Intellectual Property:A Comparison for the International Law Association”, *Journal of Intellectual Property, Information Technology and Electronic Commerce Law*, Vol. 3, Issue 3.
26. Von Mehren , Arthur T. & Trautman, Donald T., (1968). “Recognition of Foreign Adjudication: A Survey and a Suggested Approach”, *Harvard Law Review* ,Vol. 81, No. 8
27. Wadlow, Christopher (1998). *Enforcement of Intellectual Property in European and International Law*.
28. Y,Szaszy, (1967). *International Civil Procedure ,A Comparative Study*, Leyden.
29. Zhang, Wenliang (2013). “Recognition and Enforcement of Foreign Judjments in China”, *Chinese Journal of International Law*, Vol.12.